

شیخ شهاب الدین محمود اهری

زندگی و آثار و احوال عارف بزرگ قرن هفتم هجری ...

**زندگی و آثار و احوال عارف بزرگ قرن هفتم هجری**

شیخ شهاب الدین محمود اهری

ای خوشاخاک فرا داغ که خلد آیین است

بوسه گاه ملک و مهبط حورالعین است

عرش با آن عظمت بوسه زندبر خاکش

زانکه آرامگه شیخ شهاب الدین است

(ابوالقاسم نباتی)

شیخ شهاب الدین محمود اهری در نیمه شعبان سال 580 هجری قمری در شهرستان اهر چشم به جهان گشود و تحصیلات اولیه صرف ونحو و فقه را در محضر ملا حسن اهری فرا گرفت. وی در سن 25 سالگی جهت تکمیل دانسته های خود راهی تبریز گردید و در حضور شیخ رکن الدین سجاسی به کسب فیض پرداخت و پس از رسیدن به درجه قطب به دستور استاد به موطن خود بازگشت تا به ارشاد و تعلیم همشهریان خود بپردازد

نام وی در بیشتر مدارک موجود شهاب الدین محمود می باشد.

روضات الجنان در جلد 1 صفحه 604 به نقل از نسخه خطی کتاب سلسله الایلی و راشهاب الدین محمود التبریزی العتیقی الاهری معرفی می نماید. نسخه خطی تذکره مجالس در صفحه 65 مقدمه بانام شیخ شهاب الدین محمود اهری تبریزی و کتاب از شیخ صفی تاشاه صفی در صفحه 20 بانام شیخ شهاب الدین محمد اهری نام می برد که غلط است و در هیچ ماخذی بانام محمد ازوی یاد نشده است. مرحوم رحیم کاشفی اهری در کتاب خویش در صفحات 35 و 92 به استناد یک بیت از اشعار منسوب به شیخ شهاب الدین محمود اهری نام وی را محمود ذکر کرده و بیشتر روی عنوان شیخ محمود شهاب الدین اهری پرداخته اند.

بنابراین نام حضرت مولانا شیخ شهاب الدین اهری محمود می باشد.

لقب

فرهنگ فارسی معین به استناد نوشته های مرحوم کاشفی اهری شهاب الدین رالقب وی می داند و مرحوم کاشفی این لقب را به استناد یک بیت از اشعار منسوب به حضرت شیخ شهاب الدین اهری بیان می کند:

حضور شیخ رکن الدین نداشت

لقب شیخ شهاب الدین زماشد

نسب

درروضات الجنان ج 1 صفحه 604 مولف کتاب وی را ازخاندان عتیقی تبریز دانسته ونسب خاندان عتیقی تبریز راچنین می نویسد:

نظام الدین بن عبدالحمید بن کمال الدین عتیق بن شرف الدین عبدالله بن نظام الدین عبدک بن الخواجه عده الدین محمد بن شرف الدین عبدالله بن کمال الدین عتیق بن نظام الدین بن عبد اللطیف بن پیربدل بن پیر فرج بن شهاب الدین محمودتبریزی بن عبداللطیف بن السیخ عمادالدین محمد بن السیخ علی بن السیخ یحیی بن السیخ محمد بن السیخ شهاب الدین سهروردی بن عبدالله بن محمد المعروف بعمویه بن عبدالله بن سعید بن حسین بن عاصم بن نصر بن قاسم بن محمد بن ابوبکر بن ابی قحافه .

استاد ترابی طباطبایی درکتاب آثار باستانی آذربایجان ج 2 صفحه 379 شیخ شهاب الدین اهری را ازاولاد شیخ شهاب الدین سهروردی می داند که البته ازنسب نامه مذکور درروضات الجنان استفاده نموده است .

خود شیخ مانند بسیاری ازعرفا به گمنامی علاقه داشته وهمچنانکه اتردقیقی ازخویش برجای نهاده درمورد نسب وخاندانش نیز اطلاعی درهیچ جا نداده است وانچنانکه درمثنوی عشق نامه می فرماید نسب راحاصل شهوت پرستی ویا شهرت پرستی می داند:

نسب چون حاصل شهوت پرستی است

نتیجه مشرکی یا خود پرستی است

خلاف نفس کن کان کافردون

بیاندازد ترا در و رطه ی خون

محل تولد

لغتنامه دهخدا غفرهنگ فارسی معین وکتاب بقعه شیخ درصحنه تاریخ درصفحه 5 ومرحوم کاشفی اهری درکتاب خویش محل تولد وی را شهراهر ازشهرهای استان آذربایجانشرقی معرفی می کنند .ولی دربقیه کتب تراجم دراین خصوص ذکری به میان نیامده است.لکن همه محققان ومولفان وی را تبریزی اهری یا اهری تبریزی ویا اهری نوشته اند.حضرت شیخ دراشعارخویش ازسیاهان کوه نام می برد که به احتمال قوی همان قره داغ یاقرجه داغ می باشد .قره داغ یاقرجه داغ نام سابق منطقه ارسباران بوده که مرکز آن شهرستان اهر می باشد:

سیاهان کوه را منزل ببودم

زآهوی چمن شیرش بخوردم

کودکی، جوانی، تحصیلات

حضرت مولانا شیخ شهاب الدین اهری درکودکی باتوجهات خاص مادر پرهیزکارش معصومه سلطان تربیت یافت وپدرش میرزااحمد درهمان سنین کودکی قرآن را به وی آموخت بطوریکه وی درسن 10 ساگی قرآن را ازحفظ داشت

حضرت شیخ دراین باره چنین می فرماید:

رسیدم سال ده را باسعادت

به حفظ مصحفم آمد عنایت

سپس تاسنین 14 سالگی درمحضر عالم بزرگواراهری ملا حسن اهری به تحصیل قواعدعربییه وسایرعلوم پرداخته وسرآمد همسالان خودگردید.

وی برای تکمیل معلومات خویش درسن 25 سالگی به تبریز رفت ودرمدرسه وحدتیه تبریز درمحل سرخاب به تکمیل تحصیلات

رداقت ودرهمین مدرسه سه چله ریاضت کشید.

حضرت شیخ می فرماید:

رسیدم درمراحل سوی جانان

همه مدهوش دیدم بی سروجان

اشارت برسفرآمد مراهم

بشارت بروصال ورفتن غم

برفتم سوی یاران شهرتبریز

نشستم درکناراهل تمییز

شیخ شهاب الدین گویا دردوران تحصیل خویش درتبریز به مناسبت حال وهوای ایام جوانی کشتی گیری وپهلوانی نیز دست می زده است وآنچنانکه درکتاب روضه اطهار صفحه 146 آمده است وی پهلوانی صاحب نام وزورمند بوده است. بنا به نقل این کتاب شهاب الدین درجریان یکی ازاین کشتی ها به عالم عرفان کشیده شده است. روضه اطهار می نویسد :

مرقد منور قطب العارفین حضرت شیخ شهاب الدین محمود تبریزی (اهری) دراهر کالشمس معین است. آن بزرگوار راس رئوس مشایخ کبارآن روزگاربوده نقل است که شیخ رکن الدین که قطب زمان بودمناجات نمود که الهی پیرشده ام ورحلتم نزدیک است نقدی که ازاولیای به من رسیده به که سپارم ؟که هیچ کس را قابل آن نمی دانم ازهاتف غیبی ندارسید که شهاب الدین نام شخصی است درتبریز ،کشتی گیراست وسزاوار قایم مقامی توست ، شیخ به تبریز رفت وقتی به میدان رسید که شهاب الدین کشتی می گرفت سی ونه کس رابیفکند شیخ گفت:به زور ولایت می باید افکند. ازکشتی گیر چهلم بیافتاد (شکست خورد)غریو ازخلایق برخاست چراکه هرگز ازکسی نیافتاده بود ازاین غیرت مدتی سردربیابان نهاد ومیان مردم نمی آمد.شبی شیخ رکن الدین را درواقع (رویا)دید،وی راگفت :من بودم که به زور ولایت افکندم ازاین جهت دلتنگ مباش که تاحال کشتی گیر عوام بودی ومن بعد کشتی گیر خواص خواهی بود مزده بادتورا که پروردگار عالم تورا درزورباطن سرآمد اولیای روزگارکندخودرابه من برسان که درمدرسه سرخاب منتظرم .

سه شب متعاقب چنین دید متوجه تبریز شد چون به خدمت شیخ رسید شیخ فرمود که تاسه مرتبه توراطلب نکردم نیامدی چون ازشیخ کرامات دید دست مبارکش بوسید وبه شرف توبه وتلقین مشرف گردید شیخ فرمود که مردم را افکنده ای تورا ریاضت بسیار بایدکشید تانفس خود رابیفکنی .درمدرسه سرخاب به ریاضت مشغول شد .سه چله بیاورد وچندان ریاضت کشید که وست ازتن مبارکش جداشد بعدازآن به سجاس به خدمت شیخ رفت.

شیخ وی راتحسین نموده فرمودکه آنچه به خاصان بعداز چهل سال عنایت می شوددراین مدت قلیل بیش ازآن ازدرگاه واهب مستعان به توشفقت شده است.

پس دخترخودخدیجه خاتون رابه وی عقدنمود ونقدارشادبه الهام رب العباد به وی تسلیم فرمود وبرا به قایم مقامی ومرشدی خلایق تعیین نمودوفرمودکه به اهربروومردم رابه حق دلالت کن.

شیخ شهاب الدین به فرموده شیخ رکن الدین دراهرساکن گشته تاآخرعمربه ارشادوهدایت عبادالله قیام می نمود .قطب روزگار وپیشوای اولیای کبار (بود)ذکرجمیلش مزید برآنست که دراین مختصر گنجد .این دوکلمه برسبیل تیمن وتبرک مرقوم شد.

همسر

فرهنگ فارسی معین می نویسد :حضرت شیخ شهاب الدین اهری درس 25 سالگی به تبریز رهسپارشده به تکمیل تحصیلات خویش

پرداخت. وی از حضور شیخ رکن الدین سجاسی به کسب کمالات معنوی نایل آمد و از دست استاد خود خرقه فروشید و به دامادیش مفتخر گشت.

در کتاب دانشمندان آذربایجان صفحه 209 نام دختر شیخ رکن الدین سجاسی که به عقد شیخ شهاب الدین اهری درآمد خدیجه سلطان و در روضه اطهار ص 146 خدیجه خاتون ذکر شده است. به هرحال شیخ شهاب الدین محمود اهری داماد و مرید عارف بزرگ قرن هفتم شیخ رکن الدین سجاسی می باشد.

استادان

(1) میرزا احمد

اولین استاد و مربی، پدرش میرزا احمد اهری است که در اهره به شغل مکتب داری اشتغال داشت و شیخ شهاب الدین در محضر پدر قرآن را بیاموخت و در سن 10 سالگی آن را از حفظ داشت.

(2) ملا حسن اهری

شیخ شهاب الدین از سن 14 سالگی در محضر این عالم اهری به تحصیل قواعد عربیه و سایر علوم پرداخته و سرآمد همسالان خود گردید. لغتنامه دهخدا اشتباه آوی راملا حسین اهری نوشته که صحیح آن به استناد نوشته های مرحوم کاشفی ملا حسن اهری می باشد.

(3) شیخ رکن الدین سجاسی

بر اساس نقل تمامی مدارک موجود (لغتنامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین، روضه اطهار صفحه 146، دانشمندان آذربایجان صفحه 209) شیخ شهاب الدین اهری در سن جوانی به حضور عارف بزرگ، شیخ المشایخ ابوالغنائم رکن الدین سجاسی رسیده و در حلقه مریدان وی درآمد و در نهایت خلیفه او شده است.

شاگردان و مریدان و پیروان

حضرت مولانا شیخ شهاب الدین اهری همچون دیگر عرفا مریدان و شاگردان زیادی داشته که چهار نفر از آنها معروفند:

1_ سید جمال الدین تبریزی

2_ باله حسن بنیسی

3_ بابا فرج وایقانی

4_ شیخ جلال الدین تبریزی

حضرت شیخ درمثنوی عشق نامه درمورد ریاضتهای خویش می فرماید:

طریق فقر را بر خود گرفتم هدای حق را در خود شنفتم

نیاسودم زمانی در مراحل نبودم موقوف و واقف به ساحل

سپردم من دو خطوه در مسالک من و مائی برفت و صدمه الهک

به کوی عاشقان مستانه رفتم زها وهستی خود چشم بستم

انا الحق شنیدم من زحلاج گهی در خلسه و گاهی به معراج

رسیدم در مراحل سوی جانان همه مدهوش دیدم بی سروجان

وی ریاضت را جهت مبارزه بانفس و رسیدن به دلدار و معشوق ازلی می داندومی فرماید:

خلاف نفس کن کان کافر دون بیاندازد ترادرورطه خون

مراقب شوبه اسرار دل از غیر رفیقانت حسودانند در خیر

به دیر و خانقه قربت نماتو بت بتخانه را خدمت نماتو

اگر نوری رسد از روی دلدار ز روی زاده ترساتوپنذار

ترا این نور از خود وار هاند کمیت عزتت از چرخ راند

چون نور آمد ز تاریکی چه باکست ستایش بر بتان راه نجاتست

و باز همانطوریکه از روضه اطهار ص 146 بیان کردیم :

شیخ شهاب الدین بعد از آنکه به حضور شیخ رکن الدین سجاسی رسیده و به دستور وی سه چله بیاورد چندان ریاضت کشید که پوست از تن مبارکش جدا شد بعد از آن به سجاس به خدمت شیخ رفت شیخ وی را تحسین نموده فرمود که: آنچه به خاصان بعد از چهل سال عنایت می شود در این مدت قلیل بیش از آن از درگاه و اهب مستعان به توشفقت شده است. بدین ترتیب وی از طرف شیخ به قائم مقامی و مرشدی خلایق تعیین و به اهر مراجعت نمود.

چله نشینی یا به سر آوردن اربعین در خلوت از اعمال خاص عرفاست که بر پایه حدیث زیر منقول از حضرت رسول اکرم (ص) در کمال یابی انسان تاثیر بسزایی دارد:

من اخلص لله اربعین صباحاً ظهراً یناهیح الحکمه من قلبه علی لسانه .

(مناقب اوحدالدین، ص 74)

شاید حافظ نیز در غزل زیر به این حدیث نبوی اشاره داشته است :

سحرگه رهروی در سرزمینی همی گفت این معما باقرینی

که ای صوفی شراب آنکه شود صاف که در شیشه بماند اربعینی

شیخ شهاب الدین اهری برای ریاضتها ومجاهدات خویش معبدی نیز درمسجد جامع تبریز داشته اند .مolf روضات الجنان درج 2 ص 64 باذکرنام شیخ شهاب الدین اهری باعنوان مرشد المکملین شیخ شهاب الدین محمودتبریزی ازاین معبد نام می بردکه تفصیل این جریان دربخش مقام وعظمت معنوی شیخ شهاب الدین اهری خواهدآمد.

مذهب وعقاید

سلسه طریقتی حضرت مولانا شیخ شهاب الدین اهری به نقل ازریاض السیاحه به امام همام حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می رسد. ضمناً به طوریکه مرحوم کاشفی اهری درکتاب خویش صفحات 121 و122 بیان کرده مجالس انس فرقه شهابیه همه ساله درروز 15 شعبان المعظم تشکیل می یافت که سالروزتولد قائم آل محمد حضرت مهدی (عج) ومصادف باروز تولد حضرت شیخ شهاب الدین اهری است.وکشکول دراویش شهابی نیزباتمثال بی مثال مولای متقیان حضرت علی (ع) تزیین می یافت.

حضرت شیخ دریک بیت ازاشعارش نیز می گوید :

نیایش کنم برروان وصی به یاران حق برجوان ولی

که منظورازجوان ولی بااستفاده از(حدیث لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار)حضرت علی (ع) می باشد.لذاباعنایت به این سه موضوع آشکارمی گرددکه شیخ شهاب الدین اهری شیعه دوازده امامی بوده است.

مرحوم کاشفی درص 121 کتابش ادامه می دهدکه :

درراه ورسم عرفانی شهابیه مداومت به اعمال ووظایف شرع لازم الاجرابوده وشیخ ماباتمک به سوره مبارکه فتح (اذاجائ نصرالله والفتح ورايت الناس)همیشه تسبیح ایزدی وستایش خداوندی وطلب مغفرت راضروری می دانست وانجام عبادات واطاعات درحدود شرع مقدس راتوصیه فرموده اند .